

اندیشهٔ سیاسی در اسلام (۱)

نظریه‌های دولت در فقه شیعه

فهرست

۷	پیشگفتار
۹	مقدمه
۱۳	(۱) مراحل چهارگانه تطور فقه سیاسی شیعه
۱۳	مرحله اول: عصر شکوفایی فقه خصوصی
۱۴	مرحله دوم: عصر سلطنت و ولایت
۱۹	مرحله سوم: عصر مشروطیت و نظارت
۲۱	مرحله چهارم: عصر جمهوری اسلامی
۲۹	(۲) دولت، نظریه و هدف بحث
۳۳	(۳) مباحث سلبی دولت و نظریه حسیه
۳۵	قول اول: ولایت فقیه در امور حسیه
۳۶	قول دوم: جواز تصرف فقیه
۳۸	ضمائم نظریه حسیه
۴۱	(۴) طبقه‌بندی نظریه‌های دولت براساس مبنای مشروعیت سیاسی
۴۷	مبنای اول: مشروعیت الهی بلاواسطه
۴۹	مبنای دوم: مشروعیت الهی مردمی
۵۰	مسئله مشروعیت دولت معصوم (ع)
۵۳	سوالات اصلی در دو مبنای مشروعیت
۵۴	اصول مشترک نظریه‌ها
۵۷	معرفی اجمالی نظریه‌های دولت در فقه شیعه
۵۸	نظریه اول: سلطنت مشروعه
۵۸	رکن اول: ولایت انتصابی فقیهان در امور حسیه
۵۹	رکن دوم: سلطنت مسلمان ذی شوکت
۶۰	تقریرهای پنجگانه سلطنت مشروعه
۶۱	تقریر اول: رأی علامه مجلسی
۶۹	تقریر دوم: رأی میرزای قمی در 'ارشادنامه'
۷۱	تقریر سوم: رأی سیدکشفی
۷۳	تقریر چهارم: نظریه حکومت مشروعه شیخ فضل الله نوری
۷۸	تقریر پنجم: رأی آیت الله مؤسس و شیخ الفقهاء
۸۰	نظریه دوم: ولایت انتصابی عامه فقیهان
۸۰	رکن اول: ولایت
۸۷	رکن دوم: انتصاب
۹۳	رکن سوم: فقاہت
۹۴	رکن چهارم: قلمرو ولایت

نظریه سوم: ولایت انتصابی عامه شورای مراجع تقلید

۹۷	۱. ولایت
۹۹	۲. محدوده ولایت
۹۹	۳. شرط مرجعیت
۹۹	۴. نحوه به قدرت رسیدن حکام
۱۰۰	۵. ولایت شورایی
۱۰۲	۶. تخیر، ترتب و تعیین شیوه شورایی
۱۰۴	نظریه چهارم: ولایت انتصابی مطلقه فقیهان
۱۰۷	ولایت مطلقه
۱۰۷	فقاہت و مصلحت
۱۰۹	نظریه پنجم: دولت مشروطه (با اذن و نظارت فقیهان)
۱۱۲	مشترکات دو نظریه مشروعه و مشروطه
۱۱۷	محورهای اختلاف دو نظریه مشروعه و مشروطه
۱۱۸	اصول نظریه دولت مشروطه
۱۱۹	اول. تدوین قانون اساسی
۱۲۲	دوم. نظارت
۱۲۲	نظریه ششم: خلافت مردم با نظارت مرجعیت
۱۲۷	رکن اول: خلافت مردم
۱۲۹	رکن دوم: نظارت مرجعیت
۱۳۰	نظریه هفتم: ولایت انتخابی مقیده فقیه
۱۴۱	رکن اول. شرط فقاہت حاکم اسلامی
۱۴۹	رکن دوم. انتخاب حاکم اسلامی
۱۵۱	رکن سوم. تقید اختیارات حاکم منتخب به قانون اساسی
۱۵۴	نظریه هشتم: دولت انتخابی اسلامی
۱۵۹	تقریر اول. رأی شهید صدر
۱۶۰	تقریر دوم. رأی شیخ مغنیه
۱۶۷	تقریر سوم. رأی شمس الدین
۱۷۱	اصول نظریه دولت انتخابی اسلامی
۱۷۳	نظریه نهم: وکالت مالکان شخصی مشاع
۱۷۵	رکن اول: مالکیت شخصی مشاع شهروندان
۱۷۹	رکن دوم: وکالت دولت از سوی شهروندان
۱۸۱	رکن سوم: جایگاه دیانت و فقاہت در سیاست و کشورداری
۱۸۳	فهرست ها
۱۸۹	۱. فهرست منابع
۱۹۱	۲. فهرست آیات
۱۹۸	۳. فهرست روایات
۱۹۹	۴. فهرست اعلام
۲۰۰	۵. فهرست کتب
۲۰۵	۶. فهرست اصطلاحات

پیشگفتار

۱. نظریه‌های دولت در فقه شیعه، جلد اول از مجموعه «اندیشه سیاسی در اسلام» است. در این مجموعه کوشش می‌شود با روش تحلیل انتقادی و با اتکاء به منابع دست اول مبادی تصویری و پیش‌فرضها، مبانی تصدیقی و دلیل‌ها، لوازم و پیامدهای دیدگاه‌های مختلف اندیشه سیاسی در اسلام تبیین گردد.

۲. طرح اولیه بحث نظریه‌های دولت در فقه شیعه حاصل تدریس اندیشه سیاسی در اسلام از سال ۱۳۷۰ به بعد است.^۱ سوالات و کنجکاوی‌های دانشجویان، و مباحثه با برخی فضلاء حوزه از عوامل رشد و تکمیل بحث بوده است. برای رعایت غایت احتیاط در حد امکان هر نظریه با صاحبان آن، در صورتی که در قید حیات بودند و در غیراین صورت با شاگردان طراز اول صاحبان نظریه در میان گذاشته شد. به‌علاوه نتایج بحث نیز در اختیار جمعی از اساتید و فقها قرار گرفت و از آراء اصلاحی ایشان استفاده شد.

۳. تحریر اول «نظریه‌های دولت در فقه شیعه» در قالب یک مقاله در پائیز ۱۳۷۳ منتشر شد.^۲ تحریر دوم آن در قالب یک سلسله مقاله به تدریج از زمستان ۷۴ تا تابستان ۱۳۷۶ منتشر شد.^۳ تحریر اول بدون اذن و اطلاع نویسنده به عربی و انگلیسی ترجمه و منتشر شده است.^۴ هر دو تحریر مورد بحث بعضی نشریات واقع

۱. دانشکده علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع) و دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

۲. فصلنامه راهبرد، شماره ۴، تهران، پائیز ۱۳۷۳، صفحه ۱-۴۱.

۳. هفته‌نامه بهمن، شماره‌های ۱ تا ۹ و ۱۱ تا ۱۳ و ۱۶ و ۱۷، تهران، دی ۷۴، اردیبهشت ۷۵، صفحات ۱۲ و ۱۳. انتشار بهمن قبل از اتمام این سلسله مقالات متوقف شد. تتمه این بخش از مقالات در یادنامه خاتمی (قم، ۱۳۷۶)، به کوشش محمدتقی فاضل مینیدی، صفحه ۵۴۱-۵۸۶) تحت عنوان «سه نظریه دولت در فقه شیعه» منتشر شده است. متن کتاب همان تحریر دوم است با اصلاحات جزئی.

۴. «نظریات الدولة فی الفقه الشیعی المعاصر»، اعداد خالد توفیق، کیهان‌العربی، ش ۳۵۳۱،

شده است.^۱

۴. نگارنده وظیفه خود می‌داند از همه کسانی که به نحوی در تدوین کتاب او را یاری نموده‌اند صمیمانه تشکر کند به‌ویژه از اساتید، فقها و فضلایی که با مطالعه متن و تذکرات خود بر نگارنده منت نهاده‌اند. از آنجا که کمال و شکوفایی علمی جز با نقد حاصل نخواهد شد، پیشاپیش از همه صاحب‌نظرانی که با انتقادات خود بر غنای بحث خواهند افزود سپاسگزارم.

۵. جلد دوم این مجموعه به رشته تحریر درآمده و امیدوارم به‌زودی توفیق انتشار آن نصیب شود.

۶. این کتاب را به محضر سه شهید عزیز تقدیم می‌کنم: شهید سعید ابوالاحرار، شهید احمد صالحی و شهید مفقودالاثرا سیداحسان شهیدی. اگر در این تأملات خیری است و امدار اخلاص و ایثار آنهاست.

تهران، مهر ۱۳۷۶

→ ۳۵۲۸، ۳۵۲۲، ۳۵۵۲، ۳۵۵۹، ۳۵۶۴، ۳۵۶۹، ۳۵۷۵، ۳۵۸۲، رجب، شعبان و رمضان ۱۴۱۶ ه. ق.

The Theories of Governmet in Shi't Figh, translated by Mojahed Hosein, *Hikmat*, Vol. 1, No 3 and 4, 1997-1998, pp. 303-329, 413-443.

۱. روزنامه جمهوری اسلامی و مصاحبه روزنامه اخبار. پاسخهای نگارنده در روزنامه جمهوری اسلامی (شماره ۴۵۲۶، ۱۹ دی ۷۳، صفحه ۱۲) و روزنامه اخبار (شماره‌های ۲۴۸ تا ۲۵۰ و ۲۶۸، ۲۶ تا ۲۹ اردیبهشت و ۲۳ خرداد ۷۵، صفحه ۳)

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على
خاتم انبيائه محمد و آله الاطهار

آراء سیاسی شیعه اگرچه هنوز در مجموعه‌ای منسجم بدون نگشته است، اما در تفسیر بعضی آیات قرآن کریم، نحوه دست‌بندی روایات و شرح پاره‌ای از احادیث معصومان علیهم السلام، بخشی از حکمت عملی اعم از سیاست‌نامه‌ها، اندرزنامه‌ها و سیاست مدن، برخی ابواب کلامی از جمله مباحث نبوت و به ویژه مسائل امامت و غیبت، بعضی گزارشهای تاریخی بالاخص روش سلوک عالمان دین با سلاطین و در مواجهه با مسائل مختلف سیاسی عصر خود، و از همه مهم‌تر، در مواضع مختلفی از ابواب فقهی به وضوح دیده می‌شود. آراء سیاسی فقیهان شیعه در ضمن ابواب امر به معروف و نهی از منکر، قضا، حدود، جهاد، خمس، بیع، حجر، نکاح، طلاق، صوم، حج و صلوة جمعه و... آمده است. در فقه شیعه تا یک قرن و نیم پیش فصل مستقلی در ولایت و سیاست و امارت پیش‌بینی نشده بود.

فقه شیعه در زمینه حقوق فردی از غنی‌ترین مجموعه‌های حقوقی به شمار می‌رود. در مسائل اجتماعی و احکام حقوق عمومی، به ویژه حقوق

اساسی، کار کمتری در فقه صورت گرفته است. زاویه نگرش فقیهان در حوزه مسائل عمومی نیز غالباً فردی بوده است. در فقه ما به جای اشخاص حقیقی به ندرت بحث از اشخاص حقوقی و نهادهای اجتماعی به میان آمده است. مباحث حکومت و دولت نیز غالباً در قالب احکام و وظایف شخص حاکم و سؤال از اینکه چه کسی حاکم باشد مطرح شده، نه اینکه چگونه حکومت باید کرد و دولت به عنوان نهاد و شخصیت حقوقی چه احکام و وظایفی دارد؛ تفاوت این دو نگرش فراوان است.

نپرداختن فقیهان شیعه به مسأله مهم دولت و وظایف آن علی‌رغم موشکافیها و ژرف‌نگریهای فنی در بسیاری مسائل جزئی و کم‌اهمیت‌تر قابل تأمل فراوان است. غالباً در اقلیت بودن شیعه، فشار و خفقان حکومت‌های وقت، دوری از حکومت و لوازم و مسائل آن و نیز دسیسه‌های استعمار به عنوان علت‌های این کم‌عنایتی ذکر می‌شوند. هر یک از این نکات قابل بحث و مناقشه است. واقعیت این است که فلسفه سیاسی در میان مسلمین قرن‌ها با رکود نسبی مواجه شده و اندیشه سیاسی ما از رشدی کم‌رنگ نیز محروم مانده است. فقه شیعه به واسطه تلقی خاصی که به تدریج از مسأله غیبت امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) و مسأله امامت و ارتباط آن با مسأله دولت پیدا می‌کند، هرگز نیازی به پرداختن به مسأله دولت احساس نمی‌کند. این پندار که عصمت شرط حاکم است^۱ و قیام در زمان غیبت و قبل از قیام قائم (عج) برافراشتن پرچم ضلالت است^۲، به علاوه عدم احتمال طولانی شدن غیبت از جمله عوامل ایستایی

۱. به عنوان نمونه ر.ک. به العلامة الحلی، تذکرة الفقهاء (تهران، چاپ سنگی) ج ۱، ص ۴۵۲-۴۵۳.

۲. ر.ک. به الحر العاملی، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه (قم، مؤسسه آل‌ال‌بیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۲) الباب الثالث عشر من کتاب «الجهاد فی حکم الخروج بالسيف قبل قیام القائم علیه السلام»، ج ۱۵، ص ۵۶-۵۰.

اندیشه سیاسی شیعه و عدم رشد حقوق اساسی در میان فقیهان شیعه بوده است. نوعی آرمان‌گرایی و ایده‌آل‌نگری و دوری از واقعیت اجتماعی در این صحنه بر فقه شیعه تحمیل شده است. بسیاری از مسائل سیاسی و حقوق عمومی جز با درگیر شدن با آنها مطرح نمی‌شوند. با ابداع احتمال و فرض و تخیل، راه‌حل‌هایی کاربردی، مفید و قوی به دست نخواهد آمد. فقیهان شیعه با تلقی پیش‌گفته، دوری از صحنه حکومت و مدیریت اجتماعی را در طول قرون متمادی به عنوان مظلومیت محتوم تاریخی که بر شایسته‌ترین انسانها - معصومان علیهم‌السلام - روا شده، و به تبع، پیروان ایشان نیز چنین سرنوشتی در پیش دارند پذیرا شدند و کمتر برای تغییر این وضعیت اقدام یا زمینه‌چینی را لازم دانستند. قهر و غلبه سیاستهای خردستیز و خشن زمانه نیز چنین نگرشی را در فقیهان و جامعه شیعی بیشتر تثبیت کرد. چنین عواملی باعث شده تا مسائل سیاسی و حقوق اساسی هرگز به عنوان مسائل مورد ابتلا برای فقیهان شیعه تا نزدیک یک قرن پیش مطرح نباشد.

از میان مسائل اجتماعی، دو مورد از دیرباز مورد عنایت فقیهان شیعه بوده است: یکی قضاوت و دیگری امور حسبه. فقیهان در مورد اخیر به حق دریافته بودند که مواردی هست که شارع در هیچ شرایطی مطلقاً راضی به ترک آنها نیست. تکفل افراد بی‌سرپرست و به طور کلی امور عمومی فاقد سرپرست خاص در زمره امور حسبه شمرده می‌شد. امور حسبه می‌توانست سکوی بسیار نیکویی برای پرش به فقه عمومی محسوب شود. اما این مهم به دو دلیل انجام نشد: یکی از حیث مصادیق حسبه که تا عصر مشروطه از مرز سرپرستی یتیمان و سفیهان و دیوانگان فراتر نرفت و تا آن زمان مسائلی از قبیل امنیت، بهداشت و آموزش عمومی را در بر نگرفت. عامل دیگر این بود که امور حسبه همواره در

دست فقیهان عادل به عنوان ولایت یا قدر متیقن جواز تصرف به عنوان اشخاص باقی ماند، اما هرگز نهادی به عنوان تصدی امور حسبیه با احکام خاصش مورد بحث قرار نگرفت. دولت می‌توانست تجلی توسعه امور حسبیه محسوب شود که نشد.

(۱)

مراحل چهارگانه تطور فقه سیاسی شیعه

رویکرد سیاسی فقیهان شیعه را از آغاز - یعنی شروع عصر غیبت کبری در سال ۳۲۹ - تا امروز می توان به چهار مرحله تقسیم کرد:

مرحله اول: عصر شکوفایی فقه خصوصی

این مرحله عصر شکوفایی فقه خصوصی که از اوایل قرن چهارم تا آغاز قرن دهم هجری را دربرمی گیرد دوران تأسیس، رشد و شکوفایی فقه فردی است. و هنوز به فقه عمومی، مسائل سیاسی و حقوق اساسی عنایت نشده است. نه شرایط بیرونی مہیای طرح این گونه مسائل است و نه ذهنیت فقیهان آماده حل آنها. اگرچه واژه هایی از قبیل حاکم شرع، سلطان و امام با وظایفی همانند مراحل از امر به معروف و نهی از منکر، قضاوت، اقامه حدود شرعی، اخذ مالیاتهای شرعی (خمس و زکات) و مصرف آنها، اقامه نماز جمعه، رویت هلال جهت آغاز روزه ماه مبارک رمضان و پایان آن و انجام مراسم حج، سرپرستی افراد بی سرپرست، ازدواج و طلاق در بعضی موارد مورد بحث فقیهان این مرحله واقع شده است، اما پذیرش همه این موارد لزوماً حکومت و ولایت سیاسی را در پی ندارد. اگرچه از بعضی کلمات شیخ مفید در کتاب المقنعه^۱ چه بسا اشاراتی به مباحث حکومت را بتوان استظهار کرد، اما در مجموع در آثار به جا مانده فقیهان این شش قرن، هیچ نظریه سیاسی مشاهده نمی شود. مطرح بودن این گونه مسائل در ذهنیت عالمان این عصر بسیار مستبعد است.

۱. الشیخ المفید، المقنعه (قم، مؤسسه النشر الاسلامی) ص ۸۱۰